



ادبیات

نگاهی بادبیات

عربی مصر

ترجمه و نگارش جناب س. معین
رشتی‌نعضو انجمن

اکنون در وطن ما اکثر اشخاصی از ادبا و ادبیات امروزه
مصری اطلاع کافی نداشته و مابین فضلا و اهل قلم اقصای و ادبا و
انجمن‌های ادبی آن مملکت هم کیش و دوست ما، روابطی موجود

نبوده است. از آنرو اینک مضمونی برآوردیم که در اجتمعی نویسنده کتاب
و ادبیات امروزه مصر در یکی از جرأت‌آندی فرانسه مطالعه رسیده،
اقتباس و ترجمه نموده، می‌خواهیم به این وسیله از باب اهل قلم و طبقة
فاضل وطن عزیز خود را کم و بیش با فضیلتی موجوده مصر و چگونگی
نهضت فکری آن سامان آشنا بسازیم. «رشتیا»

از جمله هفت شهری که نهضت فکری عالم عربی، به آنها تعلق دارد یعنی:
دمشق، بیروت، بغداد، تونس، الجزایر، فیض و قاهره، این شهر اخیر الذکر،
بر دیگران امتیاز و تفوق تر دیدن پذیرد را مالک است. زیرا از یک طرف
مصر، از همه ممالک شرق قریب، مترقی تر و از طرف دیگر، دارالعلوم
'الازهر' آن، بیش از ۱۵ هزار طلبه را از تمامی گوشه‌های ممالک اسلامی

جلب مینماید، بنا بران ادبیات در انجا وسایل و زمینہ را بیش از هر جائی برای نشو و نمای خود، مساعد ساخته است. آنچه خوبتر فعالیت فضلی آن مملکت را نمایش می دهد، وجود يك محفوظه موسیقی و فنون دراماتیک، دو صد و پنجاه مطبعه که بطور متوسط روزانه سه اثر را نشر می دهند، مطبوعات وسیع، مجلات مهم، انجمن جغرافیائی، حشره شناسی، مصر شناسی، اقتصاد سیاسی، يك دارالعلوم و يك اداره صنائع ظریفه میباشد.

فضلی مصری با جرئت تمام، به مدارس غربی داخل شده کوشش دارند که خود را با سلوب ادبیات عصری آشنا و مساعد ساخته و از عموم ادبیات جوان در خور لزوم و با سلیقه صحیح استفاده نمایند، یعنی سابقاً ترجمه نمودن شاگردی مشکلی را ایجاد میکرد. اما چون برای شان لازمی و حتمی بود بنا بران به عجله و شاید بدون وقت زیاد ترجمه را شروع کردند زیرا می خواستند هر چه زودتر خود را از مشکلات مطبوعات خارج سازند و بی سببانه انتظار داشتند تا به پایه معلمین خویش برسند.

لہذا امروز در آنجا ادبیاتی تشکیل یافته، که ساختمان کامل دارد و در راه خالص ساختن خود کوشان و بہر سو کوش فرا داده، مشغول پیشرفت است. اکنون ادبیات جوان مصر داخل دورہ انتقال میباشد. درین موقع نویسندگان مزبور با مشکلات و سدهای زیادی مقابل میباشند چه قطع نظر از جنگ ادبای کلاسیک و ادبای متجدد، که آنها را به دو جنبہ منقسم میسازد، عملیات آنها در هر قیمت بطرف داران رسوم سابقہ علم بدیع، تصادم می نماید و مخصوصاً نبودن لغات فنی و تکنیکی که باید از هر گوشہ جمع شود هزاران منازعات را بادل مقتدر دنیای جدید، میان می آورد زیرا ملل متمدن امروز نمیکذارند که لغات و اصطلاحات زبان آنها بدون پیروی شدن نقشہ های

استعمار ادبی خواهانه شان غصب و اخذ کرده شود ولی دست و پا زدنیهای که خاصه بدایت کاران میباشد فتوری در عزم ادبای معاصر آنجا تولید نمی نماید. کسیکه حاضر انظری بر ادبیات نازده مصر می اندازد، خود را با چنان يك نهضت فکری مقابل می بیند که نشانه خاص آن فعالیت شدید است که در آن از همین حالا شروع شده و این همه ایجادهای بومی مصری و بصورت خصوصی ترسیم یافته است. این جریان خودش در ظاهر کردن و شنواندن خود، کوشش دارد. در خلای آن انسان جمیع انعکاسات ملی را که در آخرین پیچ و تاب راه تکاملی خود رسیده است و در آن تمامی تمایلات ضد و نقیض خاصه همینطور اوقات با هم نزاع دارند، بخوبی احساس نموده میتواند. تا هنوز ترسیم شکل کامل ادبیات نازده مصر، که درین تاریکی مبهم گیر میباشد، و در آن تمامی تأثیرات ذهنیه با هم یکجا در شرف ختم شدن است، و همچنین مکشوف ساختن عوامل حقیقی آن ممکن و میسر نیست. اما با وجود این، بعضی نویسندگان خود را، خاص برای ظاهر ساختن و پیش بردن این نهضت فکری، آماده نموده می خواهند، آن را امتیاز و وسعت بخشیده، قیامتهای جدیدی را با آن علاوه میکنند.

زبان علم انسانی

بطور یقینی، طه حسین از تمامی نویسندگان معاصر مصر، برتر و برای این کار از همه خوبتر خود را آماده و مسلح ساخته است. شهرت او نه تنها در مملکت خودش بلکه در تمامی نقاطیکه تا هنوز در آنجا عربی، زبان زنده است، نفوذ و انعکاس نموده. نامبرده سابقاً در مدارس معروف فرانسوی؛ دارالعلوم سوربون (۱) و کولمبیر دو فرانس (۲) تحصیل نموده و درین مدرسه اخیر بواسطه مضمون اقتراحیه که راجع به ابن خلدون مؤرخ نوشته، جایزه حاصل نمود. طه حسین اولین کسیست

(۱) Sorbone. (۲) Collège de France

که در نوشته جات خود، اصول انتقاد کارتیزین (فلسفه دیکارت) را پیروی نموده و از این لحاظ درین نویسندگان اعتدالی، يك محررا انقلابی تلقی شد.

طه حسین بی هم دوره های روزنامه نگاری، مناقشه قلمی، معلمی ادبیات، فنون دراماتیک، تاریخ قدیم، عتیقه شناسی و مدبریت دارالعلوم قاهره را طی کرده باوجود نابینائی از نوشتن، ترجمه کردن، نشر افکار تازه و تعلیم و تعمیم مجدد ادبی باز نایستاد. معروفترین تراجم او بقرا ذیل است. «پسیکولوژی تربیه» اثر گوستا لوبون (۱) «مشروطیت آتنه» تالیف آریستوت (۲) و پيس های متعدد تأثر و غیره.

بهترین اثری که برای امتحان فوق خود نوشته عبارت است از «رهنمایان خیال» و مطالعات انتقادی راجع بر آثار فرانسوی که بزیر عنوان «گفتگوی چهارشنبه» جمع نموده، يك جلد یادگارها موسوم به «تاریخ طفولیت مصری» که یکی از بهترین کتب منشور زبان عربی بشمار می رود از مجموع آثار او يك فکر اساسی استنباط میشود که بر همه جا حاکمیت دارد:

طه حسین می خواهد بدون آنکه رسوم قدیمه را پس سر بگذارد، آنها را تشکیل جدید بخشیده قسمت های بیفائده و زائده را حذف میکند و موازنه را برقرار ساخته، پوش کلفت مرسومی را که افکار عامه در آن حبس شده، در هم میشکند تا از متین ترین انشاهای عرب بشمار می رود. به استثنای طریقه نوشتنش که بواسطه نابینائی طرز املاء میباشد و شخص دیگری گفته هایش را در قید تحریر می آورد، این عالم مصری اسلوبی را پیروی میکند که نکات اسلوب پیک وی (۳) - را در بر دارد و در آن اکثر جملات چندین بار تکرار می شود

(۱) Gustave Lebon (۲) Aristoté (۳) Péguy، اصولیکه در آن در

اخیر هر جمله مطلب اول آن جمله را دوباره ذکر میکنند تا خوبتر ذهن نشین گردد.

و شامل فقرات طولانی است که در آخر هر يك مطلب شروع آن دوباره تذكّر می یابد و به اینقسم روش نطق را بخود میگیرد .

خلیل مطران از روی صدق « شاعر دو مملکت » لقب داده شده زیرا هم شاعر مصر است که در آنجا زندگی میکند و هم شاعر سوریه که مؤلدا و میباشد . مشارالیه بهمرای حافظ ابراهیم واحد شوقی چنان جمعیت مثلثی را تشکیل می داد که با نابنده گمی تمام بر شعر عربی حاکمیت را مالک بود . امروز یگانه رکمی که از آن قدرت بزرگ باقی مانده همین شخص است که هنوز هم افتخار رعب آور لقب ملك الشعرائی را دارا میباشد .

آثار منظوم او بنام « دیوان الخلیل » در ۴ جلد ترتیب یافته است این دیوان وسیع تنوع قابل تحسینی دارد متناوباً اشعار سرائی ، تدریسی ، اجتهادی ، وطن پرستانه ، تاریخی و خطابوی را شامل است . این شاعر خوش قریحه از يك طرف بزیر نفوذ شعرای فرانسه (که در آثار خویش خیلی تقدیر میکند) بوده و از طرف دیگر چون ملتفت شده است که شعر سرائی عربی ، جنبش های روحی را قطعاً نمایند گمی نمیکند ، خود را از قید قواعد قدیمی از رواج افتاده ، رها کرده ، برای خود چنانکه شعر با آهنگ و سبک مخصوصی تشکیل داد که به نهایت درجه تنوع را مالک بوده به آسانی جریان پیدا میکند . خلیل مطران بدون آنکه از اشعار کلاسیک خود را آزاد بسازد ، در داخل قواعد و انتظامات آن ، منطق خاص و وزن مطلوب خود را پیدا کرد . یکی از معروفترین اشعارش که نمونه شعر سرائی او محسوب میشود ، منظومه بیرون (۱) است که دران حریق (روما) را توصیف میکند .

این شاعر بلند پایه علاوه بر زوق شعر که دیوان های وسیع را مملو ساخته ، آثار مشهور نیز زیاد دارد چنانچه در تراجم او کتب پول بورژ (۱) و شکسپیر (۲) و مخصوصاً کتاب فوست (اثر گوته (۳) معروف) شهرت بزرگی را مالک است . تالیفات مهم او عبارت است از « تاریخ شرق » ، دو جلد تاریخ عمومی ، پنج جلد اقتصاد سیاسی و دو جلد کتب مختلفه . بالاخره ناگفته نماند که خلیل مطران یک دوره بسیار درخشان جریده نگاری را طی کرده و در آن معلومات وسیع و مطالعات عمیق خود را نسبت به مسائل شرق و غرب به اثبات رسانده است . محمد حسین هیکل به آن دسته نویسندگان جوان تعلق دارد که تمام هم خود را وقف ایجاد چنان یک تربیه ملی و مصری و یک لهجه جدیدی نموده اند . که بواسطه قالب ربی جدید زبان ، استعاره السنه خارجه و زبان عامیانه ملی صورت پذیر میباشد .

این شخص مدیر و نگارنده بهترین روزنامه های مصری یعنی (السیاسه) بوده که علاوه هفتت و ار آن کاملاً وقف ادبیات میباشد . ولی آنچه بیشتر اسباب شهرت او را فراهم ساخته رومان و شکر و یقین است که در میان کردها نهایی نادریکه درین اوقات اخیر در مصر نشر شده ، مقام اول را دارا دارد و تنها همین اثر است که حقیقه در خور اسم رومان میباشد . رومان (زینب) را (مادام بوواری (۴) مصری میتوان شمرد که مطابق حیات دهانی مملکت انشاء گردیده است . اگر از بعضی کشالی ها و بعضی بی مهارتی های آن صرف نظر بشود ، این رومان رو حیات زن و فلاح (دهقان) مصری را بصورت بسیار دلچسپی توصیف و ترسیم میکند . بهر صورت در اسلوب انشای آن تخیلات شرقی با نزاکت های ادبی غربی پیرایه یافته ، تأثیر جذابی دارد .

(۱) P. Bourgét (۲) Shakspaere (۳) Goëthe (۴) Mm Bovary کتاب معروف غربی

علاوه برین محمد حسین هیکل يك كتاب احساسات مسافرت موسوم به « ده روز در سودان » و ۲ جلد دیگر راجع به حیات و آثار ژان ژاک روسو (۱) با چند اثر دیگر یکهمه مطالعات و مقالات روزنامه نگاری و نقادی او در آن جمع میشود ، انتشار داده است .

هیکلی یقین کرده است که زبان مهمترین اسلحه مبارزه و آله صحیح و صاف اظهار افکار صاف و صحیح میباشد . بنابراین هیچگاه نباید گذاشت که زنگ بگیرد . از این رو نوشته جات او طبعاً خالی از پیرایه است . اما با وجود این ملامت زیاد را مالک بوده ، بواسطه سادگی و صافی خود ، خوش آهنگ میباشد . اکثر اشخاص او را ملامت کرده اند که در نویسندگی اسلوب قضائی دارد . زیرا که مدت درازی شغل وکالت را داشت . اما هیکل در يك کتاب انتقادی خود چنین جواب داده است : « نویسنده حقیقی آنکسی نیست که برای پسند یافتن و اظهار لیاقت ، کلمات عالمانه و پیچیده را استعمال کند بلکه نویسنده صحیح آنست که افکار قشنگ ، تخیلات گوناگون و تصاویر دلچسپ را چنان لباس روشنی پوشانده بتواند که از لای آبی حقیقت و نور و نیستدیده شود . هر قدر کلمات ساده باشد . بهمان اندازه در گوش خوش آیند و به قلم نزدیک بوده ، ذهن را سبیل میکند »

* * *

عباس محمود العقاد در جمله نویسندگانی عرب کیست که در موافق ساختن روحیه جوان خود با ناب و بیج و ساختمان نفسی و مصری آن ، خوبتر موفق شده است . این فضیلت بسیار نادر است زیرا اغلب شعرا یا نثر نویسندگان ما امروزه اطراف مضامین فرسوده قدیمه ، پیچیده ، بعضی نمونه های تغییر ناپذیری رای که از مدت

ژا (۱) J. J. Rousseau.

در ازی تار و بود آنها به تحلیل رسیده است، برای خود گرفته اند. در چنین يك نهضت ادبی که بمقابل ۱۴ قرن قدیمه در زرد و خورد میباشد، ظهور يك عباس محمود العقاد قیمت بزرگی دارد. وجود این شخص بمنزله تند باد و سیعی است که در بین منزل مسدودی بوزد.

خودش گفته است: « شعر من زندگانیم را ظاهر میسازد » و از عقل و دیوانگی امید و ناامیدی و عشق و نفرت تشکیل شده است. « این قسم يك اقرار قابل یاد داشت است. و از نقطه نظر تاریخ ادبیات عرب خیلی اهمیت دارد. زیرا اضطراب این شاعر، سرکشی های او، نجسائیکه برای یافتن حقیقت شعری و انسانی میکند، آثارش را يك طبعه مخصوص و يك لذت تازه می بخشد که تاکنون هیچ کسی به آن عادت نداشت. مجموعه اشعارش که (دیوان العقاد) نام دارد، نشانه چنان يك روح سرگردان و رومانیک را دارد که مواد مستعمله آن صفات قابل تمجید را مالک است.

اشعار مزبور عبارت از نمنا های مؤثر است که با سلیقه قشنگ و انداز مستقیم به زبان ساده و شخصی که اندکی اسلوب قدیم را نیز در بر دارد ولی بکلی مربوط و از حشو و زوائد غاریست انشاء یافته.

معهدا آثار منظوم او نسبت به مجارب شعر نوایی ایشان که در عین حال اسلوب يك محرر عصری و يك محرر مصلح را نشان میدهد، مقام کوچکی دارد. معروفترین تالیفات او بقرار ذیل است: « قرائت » « تفکرات » « انجمن زنده » « کتاب انتقاد و ادبیات » که به کمک المنزنی ترتیب داده و همه آنها از بهترین کتب امروزه مصری بشمار رفته، اگرچه بعضی مبهمات و بعضی غرائب لفظی انشائی دارد که در بعضی نقاط در خواندن سخته گی می اندازد، معهدا مطالعات وسیع و طرز انتقادی بسیار متینی را نمایش میدهد.

درین مضمون مختصریکه راجع به ادبیات عربی مصر نوشته شده، از باعث ضیق مقال فقط همان چند نفر ادبای درجه اول انتخاب گردیده است که اسمای شان نمایندگی کاملی از ادبیات جدید مملکت نموده، وجود ادبیات عربی را در مصر بوضوح ظاهر میسازد. حالانکه اگر فقط بنام « ادبای معروف امروزه مصر » فهرستی ترتیب دادن بخواهیم، تعداد اشخاصیکه اسمای شان بزیر نظر برجسته کی زیاد میکند، خیلی زیاد خواهد شد. بنابراین خاص بمقصدیک تذکر ساده اینک چند نفر از فضلالی نامدار دیگر مصر را نیز نام می بریم: شیخ مصطفی عبدالرزاق بهترین کسیست که به فلسفه عربی معلومات دارد. منصور فهمی عضو دارالعلوم قاهره علاوه بر آناردرسی و کلاسیک متعدد، کتاب معروف « تأثیرات روح » را نوشته است که شکل کامل دارد و عمق نظر او را مجسم میسازد. ابراهیم عبدالقادر یکی از درخشنده ترین نویسندگان جدلی (۱) نسل جوان است. اثر مهم او موسوم به « جعبه تصاویر » مملو از مطایبات شیرینست که در جامه هزل و مضحکه، جدیت و متانت قابل و صفی دارد و انصافاً اسباب شهرت او شده است. سلامه موسی مترجم کتاب معروف « جسم و تکلفات » (اثر ویکتور هوگو) و مدیر رووینوبل (مجله جدید) و صاحب تالیفات متعدد میباشد. احمد رامی شاعر شیرین کلامی است در انشای ترانه های شیرین و دلچپ ماده و ازل مای زیاده بیکانه ز نیست که در زبان عربی نویسنده لائق محسوب میگردد.

ظلاوة برین امروز در مملکت مصر چندین نفر شاعری وجود دارد که به السنه خارجه شعر می سرایند معروفترین آنها احمد رامی، ارسن برغات، مسقاتلی میباشد و این ادبای صاحب ذوق میخواهند از یکطرف تخیلات شاعرانه شرقی را بشکل شعر عربی تجسم داده، نازک خیالی ها نکات گیرنده تخیل شرقی را در نظر غربیها

(۱) طرفدار مناقشه قلمی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



هاله حسين



محمد حسين هيكل



عباس محمود العقاد

مؤسس معهد العلوم الإنسانية ومطالعات فرينك
رئيس جامعة العلوم الإنسانية

بخوبی روشن سازند و از طرف دیگر باریکی های جذاب ادبیات غرب را با خیالات شعری خود آمیخته طرز نوینی ایجاد کنند .

مادرینجا قسم مثال يك رباعی كوچك احمد را اسم را ترجمه میکنیم : آه هائیکه از هوا تشکیل شده ، به هوا می رود .

اشك هائیکه از آبست به بحر میریزد

اما عزیزم بگو به بینم وقتیکه عشق می میرد میدانی کجای می رود ؟ « مشارالیه در بن پارچه خیالات شرقی را با ظرافت های غربی پیرایه داده شعر پرتائیری بوجود آورده است . (انتها)



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اهمیت و بزرگواری شخصی که از خون دل صفحات آرا می نگارد مانند کسی نباشد که با مرکب سطری چند بنویسد . نویسنده عرب

بزرگواری امری است و رای علم ، شعر ، امارت ، دارائی ، مقام و رتبه زیرا بسیاری از علماء و شعرا و ثروت مندان را دیده ایم ولی اشخاص معدودی در میان ایشان زکوار بوده اند - « منقولی »